

تحلیل رکودها و رونق‌های اقتصادی از منظر نظام اقتصادی اسلام با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

رقیه عبدلی‌نژاد**

علیرضا شکیبایی***

نورالله صالحی آسفیجی***

چکیده

۵۹

هدف از انجام این پژوهش بررسی این سؤال است که آیا در نظام اقتصادی اسلام چرخه‌های تجاری مطابق با آنچه در نظام اقتصاد سرمایه‌داری رخ می‌دهد، وجود دارد؟ بنابراین با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد این نتیجه حاصل شد که اگر مردم با حکومت اسلامی همراه شده و رفتارهای مصرفی خود را الهی گردانند، مطابق با شاخص شکرگزاری، نزول نعمات افراد افزایش می‌یابد؛ همچنین با تبدیل مصرف فردی به مصرف اجتماعی، اصل تکافل عام مانع از بروز کمبود تقاضا در جامعه می‌گردد و همواره سطح متعادلی از تقاضا در اقتصاد حفظ می‌گردد. از طرف دیگر پرداخت حقوق واجب سرمایه توسط تولیدکنندگان هم سود بنگاه را افزایش می‌دهد، هم از ورشکستگی سایر بنگاه‌ها جلوگیری کرده و هم به حفظ اشتغال موجود و افزایش ظرفیت‌های شغلی کمک می‌کند؛ در نتیجه می‌توان گفت در نظام اقتصادی اسلام، با تشکیل حکومت اسلامی به دلیل اجرای قوانین الهی در جامعه و همراهی مردم در اصلاح رفتارهای مصرفی و تولیدی، چرخه‌های تجاری ایجاد نمی‌گردد.

واژگان کلیدی: چرخه‌های تجاری، نظام اقتصادی اسلام، مصرف، سرمایه‌گذاری، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد.

طبقه‌بندی JEL: E32.

*. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول مقاله استخراج شده است.

** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول).

Email: roghayeh.abdoli@gmail.com.

Email: ashakibai@uk.ac.ir.

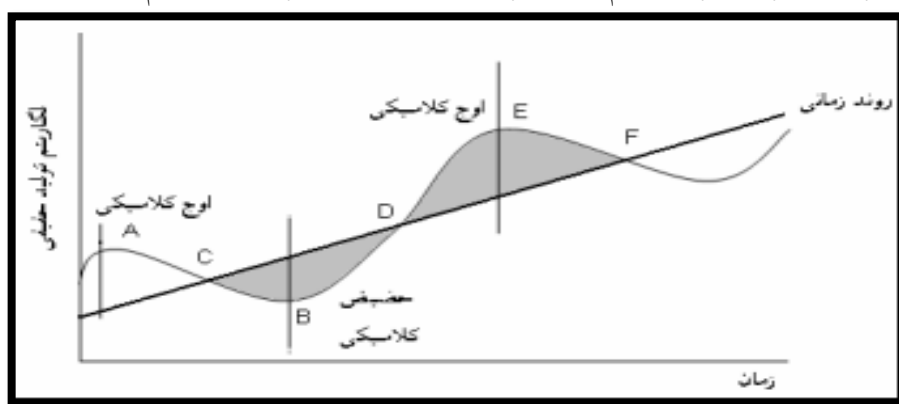
*** دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

Email: salehinoor@gmail.com.

*** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

مقدمه

چرخه‌های تجاری به شکاف بین تولید بالقوه و تولید بالفعل در اقتصاد اشاره دارد. طبق تعریف اوکان (Okun)، تولید بالقوه، حداکثر مقدار تولید صورت گرفته در یک اقتصاد است بدون آنکه منجر به ایجاد وقایع ناخوشایندی مانند تورم گردد (گانو، ۲۰۰۴)؛ بنابراین هرگاه اقتصاد به حداکثر تولید خود نرسد، در رکود قرار دارد (نقطه C تا B) و هر زمان که در حداکثر تولید قرار بگیرد و تورم ایجاد گردد (D تا E)، رونق بر اقتصاد حاکم است:



شکل ۱: مقایسه مسیر بالقوه و مسیر بالفعل تولید حقیقی (کیانی و مرادی، ۱۳۹۰)

مشخصه شرایط رونق نرخ پایین بیکاری و رشد مثبت اقتصادی بوده و رکود خود را با نرخ بالای بیکاری، افزایش ورشکستگی بنگاه‌ها، رشد منفی اقتصادی و ... نشان می‌دهد. مروری بر ادبیات اقتصادی در این زمینه نشان می‌دهد در نیمه نخست قرن نوزدهم به‌طور متوسط هر ده سال یک‌بار در انگلستان و سایر کشورهای صنعتی، یک دوره کامل رونق و رکود اقتصادی پدیدار می‌گردید، اقتصاددانان آن دوره چنین پدیده‌ای را در زمره وقایع طبیعی اقتصاد قلمداد می‌کردند و علت وقوع آن کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. اقتصاددانان کلاسیک بر مبنای قانون بازارهای سه‌قادر به تحلیل بروز رکود و بیکاری گسترده نبودند؛ بنابراین کاملاً طبیعی بود که ریشه ادوار تجاری را در «عوامل خارجی» مانند جنگ، خشکسالی و ... جستجو کنند.

مارکس (Karl Marx) علت پیدایش نوسانات اقتصادی و چرخه‌های تجاری را ناشی از تناقض‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری می‌دانست و وقوع جبری آنها را تحت عنوان رشد و تکامل ناموزون سرمایه‌داری مشخص می‌نمود. کینز (John Maynard Keynes) یکی دیگر

از نظریه‌پردازان شاخص در زمینه تحلیل چرخه‌های تجاری محسوب می‌گردد. وی تا حدود زیادی تحت تأثیر شرایط اقتصادی ناشی از بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ قرار گرفت. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ طرفداران مکتب پولی به رهبری فریدمن عوامل پولی و به‌ویژه انقباض‌های پولی را دلیل اصلی رکود اقتصادی جلوه می‌دادند. در دهه ۱۹۸۰ مباحث مربوط به نظریه انتظارات عقلایی سبب گسترش نظریه‌های پیچیده تعادل گردید. لوکاس، عوامل پولی را به عنوان پدیده مشترک در اکثر چرخه‌های تجاری مورد توجه قرار می‌دهد. در نظریات جدیدتر، چرخه‌های تجاری واقعی (Real Business Cycles) مورد توجه قرار گرفتند. طرفداران این نظریه مدعی هستند، اصولاً هر اقتصادی آهنگ طبیعی خود را داراست و اقتصاد فاقد رونق و رکود آرزویی دست‌نیافتنی است؛ یعنی حتی اگر دولت مردان بهترین سیاست‌های اقتصادی را اتخاذ کنند، باز هم بروز رکود و رونق قطعی است. به نظر آنان وضعیت عوامل تولید و روابط متقابل بین بخش‌های اقتصادی، هسته مرکزی تحلیل فعالیت‌های اقتصادی است.

پرسکات (Prescott) معتقد است چرخه‌های تجاری واقعی مدل‌های پیچیده رشد هستند و تفکیک نظریه ادوار تجاری از مباحث رشد خطاست. در صورت قبول چنین نگرشی چرخه تجاری واقعی بر اساس مدل‌های رشد نئوکلاسیک سولو و سوان که در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به وجود آمدند، پایه‌گذاری شده است (صمدی و جلائی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲). بر اساس توضیحات فوق، پژوهش حاضر سعی دارد این موضوع را در نظام اقتصادی اسلام بر اساس سؤالات زیر بررسی کند:

۱. آیا چرخه‌های تجاری جزء برنامه خداوند برای رسیدن انسان‌ها به کمال هستند؟ یا به عبارت دیگر آیا چرخه‌های تجاری جزء جدانشدنی اقتصاد و آهنگ طبیعی آن هستند؟
۲. تحت چه شرایطی اقتصاد در رکود و رونق قرار نمی‌گیرد و همواره سیر صعودی همراه با تعالی خود را طی خواهد کرد؟
۳. در نهایت آیا در نظام اقتصادی اسلام مفهوم چرخه‌های تجاری مطابق با آنچه گفته شد وجود دارد؟

ادبیات موضوع

پیشینه علمی موضوع در مطالعه‌های داخلی

در مورد چرخه‌های تجاری مطالعات زیادی صورت گرفته و همه این مطالعات به بررسی ویژگی‌ها و علل چرخه‌های تجاری پرداخته و راهکارهایی برای تعدیل ارائه کرده‌اند. طیب‌نیا و قاسمی (۱۳۸۹) در مقاله خود با استفاده از فیلترهای مختلف از جمله فیلتر هودریک پرسکات به اندازه‌گیری چرخه‌های تجاری در ایران پرداخته‌اند. آنها با استفاده از داده‌های تولید ناخالص داخلی ۱۳۵۰-۱۳۸۲ به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد ایران ۷ دوره تجاری را پشت سر گذاشته است که ۱۷ سال آن رونق و در ۱۵ سال بقیه رکود حاکم بوده است. از میان عوامل اثرگذار در ایجاد دوره‌های رونق و رکود نیز نفت مهم‌ترین عامل شناسایی شد.

حیدری شیخ‌طیعی (۱۳۹۲) به بررسی همزمانی چرخه‌های تجاری بین کشورهای عضو کنفرانس اسلامی پرداخته است. وی با استفاده از داده‌های پانل سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۱۱ و مدل اثرات تصادفی به این نتیجه رسیده است که بین چرخه‌های تجاری کشورهای منتخب عضو این سازمان همبستگی وجود دارد؛ اما به دلیل همگن‌نبودن درجه توسعه، اندازه اقتصاد و ساختار تولید کشورهای عضو، شدت همبستگی بین چرخه‌های تجاری اعضای مورد بررسی یکسان نیست؛ از این رو پیشنهاد کرده است در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی ضد سیکلی با احتیاط بیشتری برخورد شود.

طیبی و همکاران (۱۳۹۰) عوامل ایجاد چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران را برای سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۸۷ با استفاده از الگوی عرضه - تقاضای کل و تجزیه واریانس به دست آورده‌اند. نتایج نشان می‌دهد علت اصلی بروز چرخه‌های تجاری در ایران ناشی از مؤلفه‌های اصلی تولید ناخالص داخلی همچون سرمایه‌گذاری، مصرف، تراز تجاری و منارج دولت است.

گل‌خندان (۱۳۹۴) نیز به بررسی چرخه‌های تجاری در دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۹ پرداخته است. وی با استفاده از فیلتر هودریک پرسکات و روش خودرگرسیون برداری

نشان داده است درآمدهای نفتی و مخارج دولت توانسته‌اند بیشترین تأثیر را بر نوسانات چرخه‌های تجاری داشته باشند.

راسخی و همکاران (۱۳۹۲) نیز یکپارچگی تجاری، تخصص‌گرایی و همزمانی چرخه‌های تجاری در اکو را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با استفاده از داده‌های ۱۹۹۳-۲۰۰۷ و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (Generalized Moments Method) به این نتیجه رسیده‌اند که گسترش روابط تجاری (تجارت درون‌صنعتی و بین‌صنعتی) سبب تقویت همزمانی چرخه‌های تجاری اعضای اکو می‌گردد؛ همچنین هرچه تشابه ساختارهای اقتصادی بین این کشورها بیشتر باشد، همزمانی قوی‌تر است.

پیشینه علمی موضوع در مطالعه‌های خارجی

مطالعات خارجی در زمینه چرخه‌های تجاری نیز، به بیان علل، ابعاد و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند و رویکردی تعدیلی دارند؛ همچنین اکثر مطالعات خارجی مبحث همزمانی چرخه‌های تجاری را که ناشی از افزایش ارتباطات تجاری و بین‌المللی کشورهاست، مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

میگاوا و همکاران (Miyagawa et al) (۲۰۰۶) تأثیر شوک‌های تکنولوژی را روی چرخه‌های تجاری با استفاده از تجزیه و تحلیل تجربی بر پایه داده‌های صنعتی بررسی کرده‌اند. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد مدل ادوار تجاری واقعی استاندارد برای بررسی ادوار تجاری ژاپن مناسب نیست و مدل جدید کینزی‌ها یا مدل تخصیص مجدد نیروی کار توضیح مناسبی را ارائه می‌دهد.

چاوت (Chauvet) (۲۰۱۱) در مطالعه خود با عنوان «آنالیز زمان واقعی چرخه تجاری آمریکا» از مدل احتمال غیر خطی (Dynamic Factor Marcov Switching) در تعیین تاریخ سیکل تجاری و ارزیابی شرایط اقتصادی آمریکا از سال ۱۹۵۹-۲۰۱۱ میلادی استفاده نموده است. نتایج حاکی از آن است که رکودها عموماً کوتاه‌مدت و به‌طور متوسط یک‌ساله هستند؛ درحالی‌که رونق‌ها طولانی‌تر و به‌طور متوسط پنج‌ساله هستند. دهه ۱۹۹۰ شاهد طولانی‌ترین رونق آمریکا به مدت ده سال بوده؛ درحالی‌که رکود ۲۰۰۷-۲۰۰۹ طولانی‌ترین رکود در دوره مورد بررسی بوده است.

یلمزکودی (Hakan Yilmazkuday) (۲۰۱۴م) به بررسی ارتباط بین قیمت بنزین، هزینه‌های حمل‌ونقل و چرخه‌های تجاری پرداخت. در این راستا وی مدل خود را برای اقتصاد آمریکا برای ۵ دوره زمانی (۱۹۷۴:۱-۲۰۱۲:۴) با استفاده از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (Dynamic Stochastic General Equilibrium) اقتصاد باز تخمین می‌زند. نتایج نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه در نوشته‌های مختلف، شوک‌های استاندارد در بلندمدت تأثیرات معناداری روی چرخه‌های تجاری دارند، اما شوک‌های عرضه و تقاضای بنزین نیز در کوتاه‌مدت روی چرخه‌های تجاری نقش مهمی ایفا می‌کنند.

گامس و تاسپینار (Inci Gumus and Tatar taspinar) (۲۰۱۵م) اثر نوسانات نرخ ارز حقیقی را بر چرخه‌های تجاری در اقتصادهای بازار نوظهور مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد نرخ ارز حقیقی از طریق هزینه‌های معین بدهی در واحدهای کالاهای خارجی، روی تولید اثر می‌گذارد. به این ترتیب نوسانات تولید هنگامی که تمام بدهی‌ها مربوط به واحدهای کالای خارجی است، به میزان ۲۲ درصد افزایش می‌یابند.

داوال و همکاران (Romain Duval and et al) (۲۰۱۵م) تجارت ارزش افزوده و همزمانی چرخه‌های تجاری را برای ۶۳ اقتصاد نوظهور و پیشرفته در دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۳ در دستور بررسی قرار داده‌اند. در یک چارچوب پانل، یک ارتباط دوجانبه مثبت معنادار بین شدت تجارت (ارزش افزوده) و همزمانی چرخه‌های تجاری تشخیص داده شد؛ همچنین برخی شواهد نشان می‌دهند تأثیر تجارت ارزش افزوده بر همزمانی چرخه‌های تجاری با درجه تجارت درون صنعت افزایش می‌یابد.

مبانی نظری

در تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی لازم است تشریح گردد نظام سرمایه‌داری نیاز بشر به وحی را انکار کرده و معتقد است عقل و ندای طبیعت برای پاسخگویی به نیازهای انسان کافی است. این اعتقاد به معنای انکار سرای آخرت بوده و زندگی را محصور در همین دنیا و نیازها را منحصر در نیازهای مادی می‌داند. طبق این عقیده انسان مالک زندگی خویش است و این زندگی به خداوند، دولت و سایر افراد تعلق ندارد. انسان دارای اراده مطلق بوده و باید در رسیدن به خواسته‌های خود آزاد باشد. انسان اقتصادی، عقلایی عمل می‌کند؛

به این معنی که از زندگی محدود دنیایی خود به دنبال کسب حداکثر لذت و منفعت است (نمازی، ۱۳۹۱).

پس از مدتی از ظهور نظام اقتصاد سرمایه‌داری و رسیدن به نقطه اوج خود، کم‌کم بحران‌ها آشکار شدند و این نظام را با خطرات جدی مواجه کردند. به نحوی که کسانی مانند مارکس فروپاشی آن را گوشزد کرده و نوید تشکیل یک نظام اقتصاد کمونیستی بر محور مالکیت اشتراکی را یادآوری کردند. رکود دهه ۱۹۳۰ بزرگ‌ترین رکود تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری تا آن زمان بود و منجر به بازگشت از اصول اولیه نظام سرمایه‌داری گردید. این رکود اثبات کرد نفع شخصی به تنهایی نمی‌تواند منافع کل جامعه را محقق کرده و بازار مدام با شکست مواجه خواهد شد.

«شکست بازار» موجب گردید اقتصاددانی مانند کینز، به نقش پراهمیت دولت در اقتصاد توجه کند. وی دولت را عامل خروج از رکود و نجات اقتصاد از فروپاشی دانست و از آن تاریخ به بعد تحلیلات اقتصاد خرد به تحلیلات اقتصاد کلان تبدیل گردید (شاکری، ۱۳۸۹). از همین زمان مفهوم رکودها و رونق‌های اقتصادی به‌طور جدی در اقتصاد مورد توجه قرار گرفت.

به‌طور کلی بحران‌های اقتصادی را می‌توان به دو دسته کوتاه‌مدت یا بلندمدت تقسیم کرد. وجود بحران اقتصادی کوتاه‌مدت در تنزل درآمد ملی در دو فصل متوالی تشخیص داده می‌شود. بحران طولانی بحرانی است که عمر درازتر دارد و عوارض بارز آن بیکاری شدید همراه با تنزل شدید سرمایه‌گذاری و تولید است (استحقاری، ۱۳۸۸، ص ۳۲). برخی اقتصاددانان نیز در بیان ویژگی دوره بحران به نرخ بیکاری و مدت‌زمان کساد اقتصادی توجه می‌کنند؛ به طوری که کساد بیش از سه سال و نرخ بیکاری بیش از ۱۲ تا ۲۰ درصد را مشخصه دوره بحران می‌نامند (داودی و عیسوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹)؛ به عبارت بهتر معمولاً سیر نزولی رشد اقتصادی که برای چند دوره سه‌ماهه ادامه یابد، نشان‌دهنده وضعیت «کساد اقتصادی» است و هرگاه این دوره زمانی بیشتر شود، «رکود اقتصادی» نامیده می‌شود؛ همچنین در مواردی که رشد اقتصادی برای مدتی آهسته اما غیر منفی باشد اصطلاحاً به «توقف رکودی» معروف است (شکیبایی و سعید، ۱۳۹۱).

در مورد علت ایجاد چرخه‌های تجاری بر اساس نوع محرک‌ها، به‌طورکلی دو گروه وجود دارد: تکانه‌های طرف تقاضا و تکانه‌های طرف عرضه. تکانه‌های طرف تقاضا موجب انتقال منحنی تقاضای کل می‌شوند و از عواملی نظیر مصرف، سرمایه‌گذاری، هزینه‌های دولت و خالص صادرات سرچشمه می‌گیرند (هادیان و هاشم‌پور، ۱۳۸۲، ص ۹۵). این تکانه‌ها مورد تأیید کینزی‌ها، پولیون و طرفداران انتظارات عقلایی بوده است. کینزی‌ها معتقدند عرضه کل کاملاً با کشش بوده و دستمزدهای پولی به سمت پایین چسبیده‌اند؛ بنابراین با کاهش تقاضای کل دستمزدهای پولی کاهش نمی‌یابد. از طرف دیگر افزایش در تقاضا منحنی عرضه کل را به سرعت به سمت بالا حرکت می‌دهد؛ بنابراین با کاهش تقاضا رکود و با افزایش آن، قیمت‌ها افزایش می‌یابد. پولیون نیز معتقدند اتخاذ سیاست‌های پولی اقتصاد را با چرخه مواجه خواهد کرد؛ اما طبق دیدگاه آنان تا وقتی که رشد پول ثابت باشد، اقتصاد ذاتاً باثبات است. طرفداران نظریه انتظارات عقلایی نیز شوک‌های غیر قابل پیش‌بینی در تقاضای کل را سبب ایجاد چرخه‌های تجاری می‌دانند (گل‌خندان، ۱۳۹۴، ص ۸۷).

تکانه‌های طرف عرضه نیز از طریق نوسانات در تکنولوژی می‌توانند به نوسانات در متغیرهای کلان اقتصادی منجر گردند. یکی از نظریاتی که معتقد به وجود تکانه‌های طرف عرضه در اقتصاد است، نظریه ادوار تجاری حقیقی می‌باشد. این نظریه تمامی مدل‌هایی که نوسانات تقاضای کل را عامل اصلی بی‌ثباتی در اقتصاد می‌دانستند، به چالش کشید؛ از این رو به عنوان رقیبی برای اقتصاد کلان مرسوم کینزی و همچنین یک چالش جدی برای همه مدل‌های پول‌گرا و مرحله اول کلاسیکی جدید است. این نظریه بر این فرض بنا شد که نرخ پیشرفت فنی دارای نوسانات تصادفی بزرگی است و شوک‌هایی که از بخش عرضه به تابع تولید وارد می‌شود، نوساناتی را در تولید و اشتغال کل ایجاد می‌کنند. به‌طورکلی بحث محوری اقتصاددانان مکتب سیکل‌های تجاری واقعی آن است که نوسانات اقتصاد در نتیجه تغییر متغیرهای حقیقی است. طرفداران مکتب چرخه‌های تجاری حقیقی - بر خلاف لوکاس و طرفدارانش - معتقدند متغیرهای اسمی نظیر عرضه پول و سطح قیمت‌ها بر متغیرهای حقیقی نظیر اشتغال و تولید مؤثر نیستند و در حقیقت این متغیرهای حقیقی هستند که رفتار و نوسانات متغیرهای حقیقی را توضیح می‌دهند. از آنجاکه عاملین اقتصادی

بهره‌مند از انتظارات عقلایی هستند، فقط برنامه‌های اعلام‌نشده و غیر مترقبه می‌تواند سبب انحراف رفتار آنها گردد که آن هم در کوتاه‌ترین مدت داده‌های جدید در مدل عقلایی آنها قرار می‌گیرد و بار دیگر به شرایط تعادلی بازگشت خواهند نمود. طرفداران این مکتب عامل تنش و نوسانات اقتصاد را در نوسانات طرف عرضه می‌دانند و معتقدند ریشه این تغییرات، تغییرات در تکنولوژی است. به این ترتیب که نوسانات بزرگ در تکنولوژی سبب افزایش بهره‌وری شده و اقتصاد را از یک مسیر رشد بلندمدت خارج ساخته و در مسیر رشد بلندمدت بالاتری قرار می‌دهند (گرچی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۵).

علی‌رغم تفاوت‌ها و مناقشاتی که مکاتب مختلف در بیان علت چرخه‌های تجاری دارند؛ اما مکانیزم عملکرد واحدهای اقتصادی و نتایج آن بر اقتصاد یکسان می‌باشد؛ چراکه حتی طرفداران چرخه‌های تجاری حقیقی نیز معتقدند تنش‌های وارد شده به تکنولوژی در طرف عرضه اقتصاد، منجر به افزایش تولید شده و در پی خود تقاضا برای نیروی کار را افزایش خواهد داد. افزایش تقاضای نیروی کار منجر به افزایش در دستمزدهای حقیقی شده و کارگران ساعات کار بیشتری را جایگزین استراحت می‌نمایند. شدت این مسئله نیز بستگی به انتظارات کارگران در موقتی یا دائم‌بودن تنش‌های تکنولوژی دارد. این شرایط تا جایی ادامه می‌یابد که دیگر تنشی در تکنولوژی وجود نداشته باشد و تولیدکنندگان به دلیل مازاد سرمایه اضافی، سرمایه‌گذاری خود را کاهش دهند (گرچی و میرسپاسی، ۲۰۰۲، ص ۹۶-۹۹). کاهش سرمایه‌گذاری به معنای کاهش تولید و در پی آن تعدیل نیروی کار است و تکرار این شرایط به معنای شکل‌گیری دوره‌های رکود و رونق اقتصادی است.

پس به‌طور کلی در مورد مکانیزم چرخه‌های تجاری می‌توان گفت سیستم تولید مبتنی بر دو عامل اصلی یعنی سرمایه و نیروی کار است، به سرمایه بازدهی و به نیروی کار دستمزد تعلق می‌گیرد. اقتصاددانان سرمایه‌داری ادعا می‌کنند سهم عوامل از تولید در بلندمدت برابر می‌گردد؛ درحالی‌که اقتصاددانی مانند پیکتی در کتاب خود سرمایه در قرن بیست‌ویک اثبات می‌کند نه تنها این دو هرگز با هم برابر نمی‌شوند بلکه یافته‌های اخیر نشان می‌دهد کندشدن نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد تولید، موجب فزونی بازدهی سرمایه از سهم نیروی کار گشته و همین عامل سبب بروز شکاف‌های عمیق طبقاتی می‌گردد.

به دلیل آنکه تنها عامل متغیر بنگاه در کوتاه‌مدت، نیروی کار می‌باشد و نیروی کار به عنوان مصرف‌کننده نیز محسوب می‌شود، هرگونه تعدیل در دستمزد وی، بر قدرت خرید او اثر مستقیم دارد. نحوه عملکرد بازار نیروی کار به صورت «اجاره‌ای» یا «اجیرشدگی» است. به این صورت که خانوارها عرضه‌کننده کار بوده و بنگاه‌های اقتصادی متناسب با شرایط، اقدام به استخدام آنها می‌کنند؛ بنابراین نیروی کار، خود را اجیر بنگاه‌ها کرده و متناسب با تحولات اقتصادی، دستمزد نیز متحول می‌گردد. به همین دلیل در شرایط رونق به دلیل بروز پدیده تورم و افزایش هزینه‌های بنگاه، صاحبان بنگاه که ذاتاً تمایل به به‌کارگیری نیروی کار ارزان دارند، برای جبران هزینه‌های تولید خود، از دستمزد نیروی کار می‌کاهند. به مرور، کاهش دستمزد نیروی کار از یک طرف و پدیده تورم از سوی دیگر منجر به کاهش قدرت خرید افراد در جامعه می‌گردد. این کاهش قدرت خرید منجر به مازاد موجودی انبار بنگاه‌ها گشته و تولید کاهش می‌یابد. به این ترتیب اقتصاد وارد مرحله کساد می‌گردد. در شرایط کساد بنگاه‌ها مجبور به تعدیل نیروی کار گشته و بیکاری افزایش می‌یابد. افزایش بیکاری به معنای افت شدید قدرت خرید و کمبود تقاضا بوده و به این ترتیب اقتصاد وارد مرحله رکود می‌گردد. در این شرایط تنها راه خروج از رکود ایجاد تقاضا در جامعه بوده تا مازاد تولیدات بنگاه‌ها به فروش رفته و چرخ اقتصاد مجدداً بچرخد. در نتیجه دولت‌ها از طریق هزینه‌های خود شامل هزینه‌های نظامی و هزینه‌های اعطای وام به مصرف‌کنندگان، سعی در خروج اقتصاد از رکود دارند (شکیبایی و سعید، ۱۳۹۱)؛ بنابراین عامل مهم ایجاد بحران‌ها و چرخه‌های تجاری، کمبود تقاضا یا کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده است (همان).

از طرف دیگر در باب مصرف باید گفت که افراد دارای استانداردهای مصرفی هستند که در طی زمان به آن‌ها شکل داده‌اند. آنها با توجه به بودجه و همچنین شأن اجتماعی خود، الگوی مصرفی را انتخاب می‌کنند که در طی زمان تغییر نمی‌کند؛ همچنین بخشی از مصرف به دلیل نااطمینانی که نسبت به آینده وجود دارد، صرف پس‌انداز برای پاسخ‌گویی به نیازهای مصرفی در آینده می‌شود.

از طرف دیگر افراد برای کسب سود و منفعت، با طرح یک ایده اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند که در نهایت با تولید کالا و فروش آن به سود برسند؛ اما سرمایه‌گذاری‌های

انجام شده الزاماً بر اساس نیازهای واقعی انسان نیستند. سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در تولید تلفن همراه یکی از نمونه‌های بارز این امر است. در ابتدای تولید، به دلیل اینکه این کالا نیاز ضروری جامعه نیست برای ترغیب مصرف‌کننده به خرید، هزینه‌های تبلیغاتی فراوانی صورت می‌گیرد. تبلیغات سبب ایجاد نیازهای جدید در افراد می‌گردد. به مرور با گذشت زمان تقاضا برای این محصولات افزایش یافته و این کالا توسط افراد بسیاری در جامعه مصرف می‌شود. «کالاهای لوکس» که در اقتصاد مطرح می‌شود، مصداق خوبی برای این نوع سرمایه‌گذاری‌هاست. برای وارد شدن کالاهای لوکس به سبد مصرفی خانوار لازم است تبلیغات فراوانی صورت بگیرد. وظیفه اصلی تبلیغات ایجاد این تفکر است که این کالا نقش مهمی در رفع نیاز، ایجاد شأن اجتماعی بالا و احساس خوشبختی دارد. در تبلیغات هیچ‌گاه کمیابی و محدودیت به تصویر کشیده نمی‌شود؛ بلکه فراوانی کالاها در آن یک اصل مهم است. با توجه به حس خوشبختی که به افراد داده می‌شود، مصرف‌کننده ترغیب می‌شود کالا را وارد سبد مصرفی خود کند؛ بنابراین می‌توان گفت بسیاری از خواسته‌های بشر نیاز واقعی و در جهت تعالی معنوی نیستند و یکی از مواردی که به شکل‌گیری چرخه‌های تجاری کمک می‌کند، تخصیص منابع به تولید کالاهایی است که ناشی از نیازهای کاذب است. این نوع نیازها به دلیل دلبستگی به دنیا و زندگی مادی پدید می‌آیند و مخالف با زندگی کریمانه همراه با عزتی هستند که خداوند برای انسان در نظر گرفته است؛ پس نمی‌توان گفت تمامی سرمایه‌گذاری‌هایی که در دنیا صورت می‌گیرد، برخاسته از نیازهای بشر برای رسیدن به تعالی و عاقبت نیکو در سرای آخرت است. بلکه برعکس بسیاری از کالاهای تولیدشده در جهت ارضای حس خوشبختی انسان در دنیاست و رفاه‌طلبی و اشرافیت‌گرایی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. تنوع کالاها به حدی است که مصرف‌کننده غرق در انتخاب می‌گردد. مارک‌های مختلف محصولات نیز نشان از این دارد که منابع به کالاهای واقعی مورد نیاز تخصیص داده نمی‌شود، بلکه این انگیزه سود و منفعت است که تعیین می‌کند چه چیزی تولید گردد؛ در نتیجه با توجه به سیستم تولید و بازار کار و همچنین تفکر تولید انبوه و حداکثر سود که منجر به ایجاد نیازهای کاذب و غیر ضروری می‌گردد، همیشه بین مصرف و سرمایه‌گذاری فاصله وجود دارد (کمبود تقاضا و مازاد عرضه) و این سیستم همیشه در دور چرخه‌های تجاری و بحران‌های ناشی از آن

گرفتار می‌شود؛ همان‌طور که تجربه بحران‌های مختلف در سال‌های ۱۸۲۵، ۱۸۳۶، ۱۸۴۷، ۱۸۵۷، ۱۸۷۳، ۱۸۸۲، ۱۹۰۰، ۱۹۰۷، ۱۹۱۳، ۱۹۲۰، ۱۹۲۹، ۱۹۳۷، ... و بحران رکودی اخیر نشان از همیشگی بودن چرخه‌های تجاری و اثرات آن در اقتصاد دارد (داودی و عیسوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹).

در نتیجه بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان ویژگی چرخه‌های تجاری را به‌صورت زیر عنوان کرد:

۱. این چرخه‌ها از آغاز صنعتی شدن، ملازم همیشگی نظام اقتصاد سرمایه‌داری بوده‌اند؛ به عبارت دیگر چرخه‌ها همیشه هستند و جزء ذات اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشند.
۲. آنها مدام در اقتصاد تکرار می‌شوند.
۳. مهم‌ترین عامل شناسایی چرخه‌های تجاری، تغییرات تولید ناخالص داخلی است؛ اما در هنگام بروز چرخه‌ها، تغییرات تولید منظم نیست (میزان کاهش یا افزایش آن در هر دوره رکود یا رونق متفاوت است) (رومر، ۱۳۸۳، ص ۵).
۴. فواصل بروز نوسانات تصادفی می‌باشد (طول دوره‌های رکود و رونق در هر چرخه و در هر مقطع زمانی یکسان نیست) (همان).
۵. در هنگام رکود، اقتصاد به پدیده‌های ورشکستگی، گسترش بیکاری و ... دچار شده و در رونق، پدیده تورم بروز می‌یابد.
۶. این اختلالات و نوسانات از طریق عملکرد خود اقتصاد ایجاد می‌گردد و به تمامی اقتصاد سرایت می‌کند.

بنابراین بررسی چرخه‌های تجاری اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا بروز رکود به معنای گسترش بیکاری و فقر بوده و بروز رونق به معنای تورم و به‌طور کلی بروز چرخه‌های تجاری سبب ایجاد بحران‌های گسترده در اقتصاد می‌باشد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌باشد. بنیان‌گذاران این روش، دو محقق با نام‌های گلیسر و استراوس (Glaser and Strauss) بوده‌اند که

نظریات خود را در خصوص این روش در کتابی با عنوان کشف نظریه داده‌بنیاد در دهه ۱۹۶۰ میلادی منتشر کردند.

منظور از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به‌طور منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. داده‌های مورد استفاده در این روش، ماهیتی کیفی داشته و بر خلاف روش‌های کمی که از طریق قیاس صورت می‌گیرند رویکردی استقرایی دارد.

تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند، با استفاده از «رمزگذاری نظری» انجام می‌شود. در این شیوه ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص می‌یابد. این رمزها در قالب «مفهوم» تعیین می‌شوند که آن را رمزگذاری باز می‌نامند. سپس پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آنها به «رمزگذاری محوری» اقدام می‌کند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۳)؛ به عبارت دیگر کدگذاری محوری، فرآیند تبدیل مفاهیم به مقوله‌هاست. این کدگذاری به این دلیل محوری قلمداد می‌شود که حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، یک مفهوم از کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد و سپس، دیگر مفاهیم را به آن ربط می‌دهد. مرحله سوم از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، «کدگذاری انتخابی» است. این نوع کدگذاری فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست تا نظریه شکل بگیرد.

در نهایت نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به جای آزمون تئوری‌ها و مدل‌های ارائه‌شده، به طراحی مدلی جدید، بومی و برگرفته از متون اسلامی می‌پردازد (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). به این ترتیب روش تحقیق این مطالعه بر اساس ماهیت توصیفی - تحلیلی و بر اساس نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌باشد.

مراحل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

با توجه به مبانی نظری، اکنون می‌توان به سؤالات اصلی پژوهش پاسخ داد. برای روشن شدن پاسخ سؤالات لازم است پنج مرحله تبیین گردد. مرحله اول تبیین قضا و قدر است. در مرحله دوم مسئله جبر و اختیار بررسی می‌گردد و مرحله سوم به تشریح

حکومت اسلامی می‌پردازد. پس از گذر از این سه مرحله می‌توان به سؤال اول پژوهش پاسخ داد. در ادامه مرحله چهارم مسئله الگوی مصرف و مرحله پنجم مسئله الگوی سرمایه‌گذاری را توضیح می‌دهد. آن‌گاه پاسخ سؤال دوم پژوهش روشن می‌شود. در نهایت پس از پاسخ به دو سؤال اول، می‌توان به سؤال سوم نیز پاسخ داد و نظریه مربوط به چرخه‌های تجاری را در نظام اقتصادی اسلام صادر کرد.

در تبیین قضا و قدر باید گفت که طبقه‌بندی و تحلیل آیات و روایات نشان می‌دهد تمامی امور عالم از مسیر اراده الهی وقوع می‌یابند. هرگاه خداوند اراده بر امری کند، آن را از مسیر قضا و قدر جاری می‌سازد؛ یعنی ابتدا برای آن حدود و اندازه و استعداد در نظر می‌گیرد و پس از فراهم شدن تمامی مقدرات آن، قضای الهی حکم به وقوع آن می‌دهد. از آنجایی که تمامی امور عالم از این مسیر وقوع می‌یابند؛ پس می‌توان گفت هیچ امری در عالم خلقت تصادفی رخ نمی‌دهد. وجود اندازه برای هر چیزی، نشان می‌دهد بر سراسر هستی نظم حاکم است و وجود این نظم، نشانه هدفمندی عالم خلقت می‌باشد. قضا و قدر با سایر صفات خداوند نیز سازگاری دارد؛ یعنی چون خداوند عالم، حکیم، عادل و ... است، پس قضا و قدر نیز از روی علم و حکمت و عدل او می‌باشند. این مسئله موجب می‌گردد سرچشمه تمام خیرات خداوند باشد و هر اتفاقی که در عالم خلقت رخ بدهد، برای مؤمن سراسر خیر باشد. این اعتقاد موجب شکل‌گیری توکل در وجود انسان می‌گردد. انسان متوکل از هیچ چیز جز خداوند نمی‌ترسد؛ چراکه می‌داند تا او اراده نکند، هیچ امری وقوع نمی‌یابد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۳)؛ پس مرحله اول دارای سه مقوله کلیدی «تصادفی نبودن»، «نظم و هدفمندی» و «اطمینان» می‌باشد.

در کنار مسئله سیطره اراده خداوند بر همه چیز، مسئله میزان اراده انسان در تعیین سرنوشت خود اهمیت پیدا می‌کند. آیات و روایات مختلف جبر و اراده مطلق را رد کرده و حالتی بین این دو را پذیرفته‌اند. به این ترتیب انسان دارای اراده می‌باشد؛ اما این اراده مستقل از اراده خداوند نبوده و در طول آن جریان می‌یابد (برای توضیح بیشتر ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۷). قرآن کریم در باب اراده انسان می‌فرماید:

«ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد [و پذیرا گردد] یا ناسپاس!» (انسان: ۳)

این آیه به سه مسئله سرنوشت‌ساز در زندگی انسان اشاره می‌کند: تکلیف، هدایت و آزادی اراده و اختیار که لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰). به این ترتیب واژه «إِذَا» نشان‌دهنده وجود اراده در انسان است. این آیه تفسیر دقیقی از این اراده ارائه می‌کند. به این معنی که دو واژه «شکر» و «کفر» بیانگر دو مسیر مختلف است؛ یعنی لازمه داشتن اراده، وجود راه‌های مختلفی بر سر راه انسان است. با توجه به آیه ۷ سوره ابراهیم*، انتخاب هر کدام از مسیرهای شکر یا کفر، نتایج متفاوت و حتی متضادی را برای انسان ایجاد می‌کند. انتخاب یکی از مسیرها منجر به فزونی نعمات و مسیر دیگر عذاب و تیره‌بختی می‌باشد؛ در نتیجه عقل انسان حکم می‌کند که از بین دو مسیر، آنی که منجر به فزونی می‌گردد را انتخاب نماید. از آنجایی که خداوند عادل است و در ثواب و عقاب خود عدالت دارد، پس باید به انسان بیاموزد که در کدام مسیر قدم بگذارد؛ به عبارت بهتر رهاکردن انسان در دنیا و قراردادن مسیرهای متضاد پیش روی او و نظام ثواب و عقاب، با حکمت و عدالت خداوند سازگار نیست. آیه مذکور نیز به این مهم توجه کرده و بیان می‌کند که انسان را در انتخاب بین دو مسیر هدایت کرده است؛ اما امر هدایت خداوند چگونه جریان می‌یابد؟ آیا تمامی انسان‌ها توانایی ارتباط مستقیم با خدا را دارند تا بی‌واسطه از خود او مسیر هدایت را بیاموزند؟ پاسخ منفی است. پس وجود افرادی که بین خدا و مردم واسطه شده و امر هدایت را از جانب او به مردم ابلاغ کنند، ضروری به نظر می‌رسد. قرآن کریم این افراد را پیامبران خود معرفی کرده و احکام خود را از طریق آنان به مردم ابلاغ می‌کند. از آنجایی که افراد علاوه بر زندگی فردی، دارای زندگی اجتماعی نیز می‌باشند، پس علاوه بر احکام فردی، احکام اجتماعی نیز باید توسط پیامبران به مردم ابلاغ گردد. همین امر موجب می‌گردد ذهن انسان به این سمت هدایت شود که پیامبران برای جاری‌ساختن احکام الهی به‌خصوص احکام اجتماعی در جامعه باید دارای بستری مناسب باشند. این بستر همان حکومت الهی است. پس مبحث جبر و اختیار «جرقه‌های تشکیل حکومت الهی» را در ذهن ایجاد می‌کند.

* «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ».

بنابراین حکومت اسلامی دارای سه رکن اصلی «حاکم الهی»، «احکام الهی» و «مردم» است. مطابق با آیات و روایات حاکم الهی دارای سه شاخص «ایمان»، «علم لدنی» و «تقوا» است؛ همان‌طور که گفته شد امر هدایت مردم باید تنها توسط کسانی صورت بگیرد که از جانب خداوند تعیین شده باشند؛ چراکه تنها این افراد طریق هدایت را از ضلالت به‌طور کامل شناخته و علم هدایت انسان را دارا می‌باشند. پس حاکم الهی باید علاوه بر ایمان محض به خداوند، علم الهی نیز داشته باشد. این حاکم در صورتی به وظایف خود درست عمل می‌کند که هیچ انگیزه مادی نداشته و تابع هوا و هوس خویش نباشد. بلکه تنها بر خدا توکل کند و در اجرای احکام خداوند از هیچ چیزی واهمه نداشته باشد (ص: ۲۶/ نساء: ۱۴۴/ بقره: ۱۵۱). از آنجایی که حاکم الهی و احکام الهی از جانب خداوند می‌باشند، پس در امر هدایت انسان‌ها بهترین عملکردها را دارند؛ اما نکته مهم مردم می‌باشند اگر مردم با حاکم الهی در اجرای قوانین خداوند همراه شده و با وی همکاری کنند، با تکیه بر علم الهی حاکم، می‌توانند به بهترین جایگاه‌های دنیوی و اخروی برسند (مقوله هدفمندی)، اما اگر با حاکم الهی همکاری نکرده و از دستورات وی پیروی نکنند، نمی‌توان انتظار داشت آن جامعه به سمت سعادت حرکت کند؛ بنابراین طبق قوانین الهی مؤمنین باید نسبت به یکدیگر خیرخواه و مهربان باشند، راه میانه را در پیش گرفته و یکدیگر را در اطاعت از خداوند و حاکم الهی یاری کنند؛ همچنین نسبت به دشمن خشم داشته و با کافران شدید و غلیظ باشند؛* اما اصل مطلب در حکومت اسلامی این است که این سه رکن برای برقراری «عدالت» همه‌جانبه در کنار هم قرار می‌گیرند؛ یعنی هدف از تشکیل حکومت الهی توسط حاکم الهی برقراری عدالت می‌باشد، احکام الهی برای جاری شدن عدالت نازل می‌شوند و مردم برای استقرار عدالت از حاکم الهی و احکام خداوند تبعیت می‌نمایند (یونس: ۴۷/ نساء: ۱۳۵/ اعراف: ۲۹).

* «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹).

شاخص عدالت اصلی‌ترین شاخصی است که با کمک آن می‌توان به سؤال اول تحقیق پاسخ گفت. چرخه‌های تجاری علاوه بر ویژگی‌های ذکر شده دارای آثار چون تورم، ورشکستگی، بیکاری، فقر و ... برای کل اقتصاد می‌باشند. این آثار مرتب در اقتصاد تکرار می‌شوند و حتی بحران‌هایی را هم در آن ایجاد می‌کنند. با توجه به آثار مخربی که چرخه‌های تجاری بر اقتصاد می‌گذارند، نمی‌توان آنان را برای اقتصاد مفید دانست و چون با شاخص عدالت در حکومت اسلامی سازگاری ندارند، نمی‌توان آنان را برنامه خداوند برای رسیدن به کمال در نظر گرفت؛ حتی برعکس باید آنان را مانعی بر سر راه تعالی انسان دانست؛ در نتیجه پاسخ سؤال اول منفی خواهد بود.

ارتباط بین امتحانات الهی و چرخه‌های تجاری

سؤالی که در اینجا ممکن است مطرح گردد این است که آیا امتحانات الهی با چرخه‌های تجاری مطابقت دارد؟ باید گفت خداوند امتحانات خود را مبتنی بر اراده و توانایی‌های افراد پدید می‌آورد. نمی‌توان گفت در امتحانات الهی جبر وجود دارد و خارج از توانایی و استعداد افراد است.

اگر اراده جمعی مردم بر امری قرار گرفت می‌توان بین ویژگی‌های چرخه‌های تجاری و امتحانات، مثل عام و فراگیر بودن، تکرارپذیر بودن و ... مطابقت قائل شد؛ اما مهم‌تر از ویژگی‌ها، آثار چرخه‌های تجاری و مطابقت آثار با ویژگی‌هاست. در منابع و روایات مختلف آثاری چون تورم، فقر، بدهکاری و ورشکستگی پدیده‌های مذمومی شمرده شده است؛ به عنوان مثال:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: هرگاه خداوند بر امتی خشم گیرد و بر آن عذاب نازل نکند، قیمت‌ها در آن بالا می‌رود، آبادانی‌اش کاهش می‌یابد، بازرگانانش سود نمی‌برند، جوی‌هایش پر آب نمی‌گردد، باران بر آن فرو نمی‌بارد و بدان‌ش بر آن سلطه می‌یابند (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۲۴، حدیث ۱۴۸۹).

این روایت حاوی نکات فراوانی است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تورم، کاهش نعمات و خشکسالی، تصادفی اتفاق نمی‌افتد، بلکه حتماً همراه با

دلیل و حکمت است.

۲. تا زمانی که خود مردم به طور جمعی اعمالی را انجام ندهند که مستوجب خشم خداوند گردند، خداوند نعمات خود را از اهل آن سرزمین بر نمی‌گیرد.

۳. در نهایت وجود نوسانات و بحران‌های مختلف می‌تواند امتحانی از جانب خداوند باشد، اما این امتحان مبتنی بر اعمال ارادی خود مردم بوده و تا زمانی که اراده سوء آنها استمرار داشته باشد، بحران‌های مختلف در آن جامعه استمرار دارد و مرتباً اتفاق می‌افتند؛ همچنین می‌توان به آیه ۹۶ سوره اعراف اشاره کرد که می‌فرماید:

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی - آنها حق را - تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم»* (اعراف: ۹۶).

آیه مذکور بیان می‌دارد اگر اراده جمعی مردم بر ایمان و تقوای الهی باشد، آن جامعه شایستگی نعمات بیشتر از جانب خداوند را دارد و او تمامی برکات آسمان و زمین را بر آنان نازل می‌کند؛ اما اگر حق را تکذیب کردند و به طریق باطل روی گردان شدند، آن‌گاه در دام اعمال نادرست خود گرفتار خواهند شد.

صحت مدعای فوق را می‌توان بر اساس روایت زیر اثبات کرد:

امام صادق علیه السلام: پدرم می‌فرمود: همانا خداوند حکم قطعی نموده که هرگاه نعمتی به بنده‌ای داد دیگر آن را نستاند، مگر اینکه آن بنده مرتکب گناهی شود که سزاوار چنین مجازاتی گردد» (عیاشی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۰۶، حدیث ۱۹).

پس خداوند آثار ناپسند چرخه‌های تجاری را نه به طور فردی و نه اجتماعی و عام و فراگیر آن هم به صورت مکرر اراده نکرده است، مگر آنکه خود مردم با عدم همراهی حکومت اسلامی و روی گردانی از دستورات خداوند، چنین پدیده‌ای را ایجاد نمایند.

حال سؤال دوم پژوهش مطرح می‌گردد که تحت چه شرایطی اقتصاد به چرخه‌های تجاری دچار نمی‌گردد؟

کار اصلی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از این مرحله آغاز می‌شود. به این ترتیب در باب تحلیل الگوی مصرف در نظام اقتصادی اسلام آیات و روایات مختلف جمع‌آوری و در سه

* «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

همان‌طور که گفته شد، عامل اصلی چرخه‌های تجاری کمبود تقاضاست. کمبود تقاضا اشاره به کمبود بودجه مصرف‌کننده برای مصرف کالاها و خدمات دارد. به دلیل آنکه مهم‌ترین جزء تولید ناخالص ملی متغیر مصرف می‌باشد که بر اساس آمار حدود ۶۵ درصد تولید ملی در آمریکا را تشکیل می‌دهد (برانسون، ۱۳۹۲). پس از تحلیل الگوی مصرف در نظام اقتصادی اسلام می‌توان به راهکاری جهت از بین بردن چرخه‌های تجاری نائل شد. همان‌طور که از نتایج جدول بالا مشخص است، مصرف با روزی ارتباط و همبستگی بالایی دارد. به این معنا که هرچه رزق و روزی انسان بیشتر باشد، توانایی فرد برای مصرف بیشتر است؛ بنابراین از تحلیل آیات و روایات مختلف و کلیدواژه‌های اختصاصی آنها، سه مفهوم محوری «تأثیر حاکم الهی در الگوی مصرف»، «عوامل جلب روزی» و «عوامل منع روزی» استخراج می‌گردد. مفهوم اول بیان می‌کند به دلیل علمی که حاکم بر منابع روی زمین و صداقتی که در رساندن دستورات خداوند به مردم دارد تنها اوست که تعیین می‌کند مصادیق مصرف حرام، حلال، مباح و مکروه چیست؛ بنابراین در حیطة احکام شرعی و اختیارات خود (منطقه الفراع: مستحب، مکروه و مباح) و متناسب با زمان‌ها و شرایط مختلف توانایی تغییر آن را دارد. مفهوم دوم با توجه به مقوله اطمینان و شاخص توکل قابل تحلیل است. شاخص توکل در قدم اول موجب شکل‌گیری رفتار مصرفی شکرگزاری می‌گردد. شکرگزاری به معنای قدردانی و استفاده درست از نعمات خداوند و سپاسگزاری از او به عنوان روزی‌دهنده اصلی است. این رفتار سبب افزایش ظرف وجودی انسان و شایستگی وی برای داشتن نعمات و روزی‌های بیشتر می‌گردد. در واقع شکرگزاری مانع از امتحانات سخت الهی شده و تداوم نعمات وی را موجب می‌شود. این مفهوم از آیه ۷ سوره ابراهیم دریافت می‌گردد. در قدم بعدی شکرگزاری موجب عمل به احکام و دستورات مصرفی اسلامی می‌گردد. هر کس که خداوند را روزی‌دهنده بداند، مصرف خود را طوری شکل می‌دهد که بر مبنای دستور خداوند باشد. عمل به دستورات خداوند موجب دوری از اسراف، بخل و ... می‌گردد. در قدم سوم شاخص «خیرخواهی» در بخش حکومت اسلامی موجب می‌گردد عمل به احکام مصرفی الهی از حوزه مسائل فردی خارج شده و سبب توجه به سایر افراد جامعه گردد. با توجه به اینکه روزی‌دهنده خداوند است، اطمینانی در افراد شکل می‌گیرد که از بخشش و انفاق رزق خود ترسی ندارند. این صدقه هم می‌تواند

شامل صدقات واجبی چون زکات و هم غیر آن باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ص ۲۱۹۱). نکته مهم این است که این رفتار مصرفی یک رفتار پیشگیرانه از شکل‌گیری چرخه‌های تجاری است؛ چراکه گفته شد بروز چرخه‌ها و بحران‌ها، از نابرابری عرضه با تقاضا (کمبود تقاضا) در جامعه صورت می‌گیرد و اگر افراد طبق اصل «تکافل عام» نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت کرده (ویژگی مؤمنین در حکومت اسلامی) و اطعام و انفاق نمایند نه تنها جامعه از فقر دور می‌گردد بلکه هیچ‌گاه به کمبود تقاضا دچار نمی‌گردد.

از جمله موارد مصرف زکات فقرا، مساکین، در راه‌ماندگان، آزادی بردگان و ... می‌باشد (توبه: ۶۰) و نیز موارد مصرف خمس شامل مواردی چون یتیمان، مسکینان و در راه‌ماندگان است. این امر نشان می‌دهد نظام اقتصادی اسلام برای مواردی که افراد در گذران زندگی خود دچار کمبود هستند یا هیچ درآمدی ندارند و یا به‌طور موقت دچار کمبود در معیشت شده‌اند نظام مالیاتی خمس و زکات را قرار داده تا کمبود تقاضا را در جامعه جبران کند. این بدان معنی است که نظام اقتصادی اسلام با تبدیل مصرف فردی به مصرف اجتماعی همیشه سطح متعادلی از تقاضا را در جامعه حفظ می‌کند. از طرف دیگر صدقات مستحب خود مردم نیز می‌تواند سطح تقاضای مذکور را متعادل نگاه دارد. اگر مردم طبق حدیث پیامبر ﷺ، از همسایگان خود خبر داشته باشند و در احوال فقر کمک‌حال آنان باشند نه تنها فقر را ریشه‌کن می‌کنند بلکه نزول نعمات بیشتری را از جانب خداوند جلب می‌کنند. امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «خداوند سبحان خوراک تهیدستان را در اموال توانگران قرار داده هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به واسطه اینکه ثروتمندی از حق او بهره‌مند شده و خدای تعالی در این باره از آنان بازخواست می‌کند» (امام علی بن ابی‌طالب، حکمت ۳۲۸). امام خمینی رحمته الله علیه نیز در این باره و در اهمیت نقش زکات می‌فرماید: «زکات خیلی نیست، اما به اندازه فقرا هست که دیگر فقیر را نمی‌گذارد وجود پیدا کند» (سخنرانی در جمع وزیر و اعضای وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۵۸/۰۳/۳۰). این خود، گام بسیار بلندی برای جلوگیری از چرخه‌های تجاری می‌باشد؛ اما در مقابل، عوامل منع روزی نیز اهمیت پیدا می‌کند. اگر افراد یک جامعه قدر نعمات الهی را ندانند و شکرگزار آنها نباشند یا خداوند را روزی‌دهنده ندانند (قصص: ۷۸) به خصلت‌های زشتی چون بخل، حرص و طمع، اسراف، اتراف و هدر دادن مال دچار می‌شوند؛ در نتیجه شایستگی داشتن نعمات

بیشتر را از دست داده و خداوند برکات خود را از آنها می‌گیرد. امام علی علیه السلام نیز در خطبه ۱۴۳ حکمت آزمایش‌های الهی را چنین بیان می‌کنند:

خداوند بندگانش را وقتی مرتکب گناهی می‌شوند، به کاسته‌شدن میوه‌ها و بازداشتن برکات و فرو بستن خیرات می‌آزماید تا توبه‌کننده‌ای توبه کند و گناهکاری دل از گناه برکند و پندگیرنده‌ای پند گیرد و خودداری‌کننده‌ای از گناه باز ایستد.

همچنین اگر مردم به جای انفاق، به کنز و پس‌اندار مال پردازند، نه تنها کمکی به حال فقرای جامعه نمی‌کنند بلکه به سبب مصرف بیش از حد فردی خود و تنگ‌نظری‌شان خداوند روزی آنان را دچار تنگی و نوسان می‌کند.* در نهایت دو مقوله مهم «تأثیر حاکم الهی در الگوی مصرف» و «مصرف میانه و متعادل» استنباط می‌شود. مصرف میانه آن مصرفی است که دقیقاً مطابق با احکام الهی در حوزه فردی و اجتماعی است که هم از زیاده‌روی (اسراف و تبذیر) و هم از قصور و کوتاهی در این زمینه (بخل و حرص) به دور است.

اما در کنار الگوی مصرف، الگوی سرمایه‌گذاری و نقش سرمایه در جامعه دارای اهمیت است. در این گام (گام پنجم) با بررسی آیات و روایات متعدد سعی در تبیین الگوی سرمایه‌گذاری در نظام اقتصاد اسلام شده و حدود ۱۳۷ آیه و روایت مرتبط با آن جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. جدول زیر این تحلیل‌ها را به‌طور خلاصه ارائه می‌کند:

جدول ۵: مراحل کدگذاری الگوی سرمایه‌گذاری

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری		کدگذاری باز			
	کدواژه		شناسه	کدواژه	آیات و روایات	شناسه
تجارت بدون کسادی (R ₁₀ +R ₁₁ +R ₁₂)	امانت‌داری		R ₁₀	اموال، امانتی دست انسان	«أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (حدید: ۷).	R ₁
	حس قدرت مطلق	مایه امتحان				

*. مطابق با آیه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴).

	جاودانگی				با اموال و فرزندان	تَقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِيَّاهُ مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا» (سبا: ۳۷)	
					احساس بی‌نیازی موجب طغیان	«كُلُّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا» (علق: ۶ و ۷)	R ₃
	حس بی‌نیازی مطلق	حفظ اصل مال (R ₄ +R ₅)	R ₁₁	اهمیت اصل سرمایه و نهی سودهای حرام و ظالمانه	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِمَّ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَأَنْظِلُونَكُمْ وَأَنْظِلُونَكُمْ وَلَا تظالمون» (بقره: ۲۷۸-۲۷۹)	R ₄	
				لزوم حفظ اصل سرمایه	و با کسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کرده تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند (نهج البلاغه، نامه ۲۴)	R ₅	
	تجارت بدون کسادی (R ₁₀ +R ₁₁ +R ₁₂)	رفتار تولیدی اسلامی (برکت)	سودهای حلال و عادلانه	به‌کارگیری سرمایه و انواع سودها (R ₆ +R ₇ +R ₈ +R ₉)	احکام تجارت بدون کسادی	«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا» (فاطر: ۲۹)	R ₆
صدقات (سود)		عبادت هفتاد جزء است و بالاترین و بزرگ‌ترین جزء آن کسب حلال است (شیخ صدوق، ص ۱۸۰)			R ₇		
رفتارهای تولیدی ظالمانه (بی‌برکتی)		سودهای حرام و ظالمانه	ربا عامل فقر		رسول اکرم ﷺ: هر کس ربا فراوان خورد سرانجام او به فقر و بی‌چیزی انجامد (پابنده، حدیث ۲۶۰۷)	R ₈	
ربا عامل نابودی هم سود هم سرمایه			سود هفتصد برابر		مَثَلُ الَّذِينَ يُبْتِغُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۶۱)	R ₉	

با بررسی کلیدواژه‌های استخراج شده می‌توان گفت در نظام اقتصادی اسلام تنها خداوند مالک همه چیز است. به همین دلیل مالکیت انسان تبعی بوده و مال و ثروت امانتی در دست اوست. اصل امانت‌داری ایجاب می‌کند مال در همان راهی که صاحب امانت دستور داده به کار گرفته شود. با این نگاه مال و ثروت امتحانی از طرف خداوند می‌باشد. مطابق با این امتحان اگر مال و ثروت وسیله‌ای برای نزدیکی به خداوند شود سبب خیر است و در غیر این صورت موجب گرفتارشدن به بلاها می‌گردد. به همین جهت مال‌اندوزی در اسلام حرام است؛ زیرا زیادی مال سبب شکل‌گیری سه حس جاودانگی، قدرت و بی‌نیازی مطلق در انسان می‌گردد و هر سه حس موجب طغیان در برابر خداوند و حاکمان الهی شده و از اجراء قوانین الهی در جامعه جلوگیری می‌کنند. قرآن کریم یکی از عوامل نابودی جوامع را رشد افرادی می‌داند که به خصلت «اتراف» دچار شده‌اند و آن را در جامعه گسترش داده‌اند؛* در نتیجه این پرسش مطرح می‌گردد که سرمایه و ثروت در نظام اقتصادی اسلام چگونه باید باشد؟ مطابق با قوانین حاکم بر مالکیت خصوصی، هر کسی مالک اصل سرمایه خود می‌باشد و اگر آن را در جهت رفع نیازهای متعالی‌کننده جامعه به کار ببندد، نزد خداوند جایگاهی نیکو می‌یابد. از همین جا مفهوم سودهای حلال و عادلانه و سودهای حرام و ظالمانه مطرح می‌گردد. به این ترتیب در اقتصاد دو کلیدواژه «برکت» و «سود» نمود پیدا می‌کند. به این معنی که اگر کسب‌وکاری مطابق با قوانین الهی و مبتنی بر رفتار تولیدی اسلامی باشد از جمله اینکه به کم‌فروشی، گران‌فروشی، احتکار، تقلب و غش در معاملات دچار نباشد و رفتاری صادقانه و تقواگونه داشته باشد، خداوند به این کسب‌وکار برکت می‌دهد؛ چراکه عمل کردن به رفتارهای تولیدی الهی موجب سودرساندن به کل جامعه نیز می‌گردد. برکت خیری است که متناسب با ظرفیت و کارکرد هر پدیده‌ای در آن نهاده می‌شود؛ مثلاً برکت در نسل به فراوانی فرزندان است و برکت در وقت این است که گستردگی کارهای انسان در زمانی خاص، بیشتر از کار کسانی مانند او، در همان مقدار از زمان باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱). مفهوم «برکت» مربوط به اصل مال است. به این صورت که این بنگاه با ظرفیت تولیدی معین، بازدهی‌ای بیش از آنچه که مورد انتظار

* «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (اسرا: ۱۶).

اوست و سایر افراد کسب می‌کنند، به دست می‌آورد؛ اما در کنار مفهوم «برکت»، مفهوم «سود» نیز وجود دارد. این سود طبق آموزه‌های قرآن و روایات از پرداخت حقوق واجب مانند زکات از محل درآمدهای تولید است. در بخش قبل به حقوق واجب از جهت جبران کمبود تقاضا نگاه شد و در این بخش از این جهت مورد بررسی قرار خواهند گرفت که چگونه سبب گسترش یک کسب‌وکار حلال و مولد می‌گردند. در ظاهر امر، پرداخت صدقات واجب و مستحب به معنای از دست‌دادن سود است؛ اما خداوند به ازای آنچه از دست رفته چندین برابر جبران می‌کند؛ به عبارت دیگر برکت در ارتباط با ظرفیت تولیدی موجود و سود در ارتباط با گسترش ظرفیت تولیدی و وسعت کسب‌وکار می‌باشد و هر دوی این مؤلفه‌ها عواملی در جهت رونق کسب‌وکار می‌باشند. در اینجا دو نوع نگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. بنگاهی که دچار بدهی و زیانده شده است.

۲. بنگاهی که رونق دارد و فعالیت مولد او استمرار دارد.

در نظام اقتصاد سرمایه‌داری بنگاهی که در شرایط اول قرار دارد اگر بتواند از طریق کاهش هزینه‌ها، بدهی‌های خود را جبران کند برای باقی‌ماندن در بازار از طریق کاهش دستمزد نیروی کار و یا تعدیل او اقدام می‌کند و اگر نتواند بدهی‌های خود را پوشش دهد اعلام ورشکستگی کرده و از بازار خارج می‌گردد. هر دو حالت سبب بروز بیکاری و کمبود تقاضا در اقتصاد می‌گردد. نظام اقتصادی اسلام راه جبران این شرایط را استفاده از منابع زکات معرفی می‌کند. «الغارمین» به معنای بدهکاران اصطلاحی است که در موارد مصرف زکات ذکر شده است؛ بنابراین اگر بنگاهی دچار بدهی شد این منبع می‌تواند آن را جبران نماید. به این ترتیب آن بنگاه تعطیل نمی‌گردد و اگر به سوء مدیریت منابع دچار نباشد به حیات خود ادامه می‌دهد؛ بنابراین نظام مالیاتی اقتصاد اسلام مبتنی بر زکات می‌تواند یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری چرخه‌های تجاری که همان ورشکستگی بنگاه‌هاست را از بین ببرد.

اگر بنگاهی در حالت دوم باشد با عمل به دستورات الهی برکت را به کسب‌وکار خود وارد می‌کند؛ اما اگر این بنگاه خواهان گسترش و توسعه کسب‌وکار خود و سود روزافزون باشد، باید طبق دستور خداوند حقی را که در مال او گذاشته شده است پرداخت نماید.

پرداخت صدقات واجب طبق فرمایش خداوند قطعاً فزونی دارد. در برخی از آیات قرآن مقداری برای این فزونی ذکر نشده و نشان می‌دهد نهایی برای آن وجود ندارد (حدید: ۱۸)؛ در نتیجه این منابع می‌تواند از یک طرف به کار بدهکاران در بازار بیاید و مانع از تعطیلی کسب‌وکار آنان گردد. از طرف دیگر فزونی‌ای که خداوند در کسب‌وکاری که زکات آن داده شده ایجاد می‌کند، آن کسب‌وکار را توسعه می‌دهد و افراد بیشتری به فعالیت اقتصادی مشغول می‌شوند؛ بنابراین در این نظام نه تنها به‌طور غیر ارادی بیکاری ایجاد نمی‌شود بلکه حتی ظرفیت‌های شغلی نیز افزایش می‌یابد.

این مسئله از بعد دیگری نیز قابل توجه است. در نظام اقتصاد سرمایه‌داری، راه‌حل خروج از رکود و بحران دخالت دولت در اقتصاد است. دولت یا از طریق تضمین اعتبارات بانکی یا هزینه‌های جاری و استقراض از بانک مرکزی اقدام به ایجاد تقاضا در جامعه می‌کند؛ اما این تقاضا از منابعی ایجاد شده که پشتوانه کالایی ندارند؛ به عبارت بهتر این منابع مبتنی بر تولید نیستند؛ بنابراین وقوع چنین هزینه‌هایی در جامعه به مرور حجمی از نقدینگی را ایجاد می‌کند که تولید و عرضه نمی‌توانند با آن منطبق شوند؛ در نتیجه اتفاق قطعی اقتصاد بروز تورم است؛ اما در نظام اقتصادی اسلام منابع جبران کمبود تقاضا بر اساس منابع خمس و زکات و سایر انفاقات می‌باشد. این یعنی پول جدیدی در اقتصاد خلق نمی‌شود و نقدینگی جدیدی به آن تزریق نمی‌گردد. بلکه تنها منابع پولی ناشی از تولید از دست عده‌ای خارج و به عده دیگری پرداخت می‌گردد. این همان توازن اقتصادی است که مکاتب مختلف به دنبال تحقق آن می‌باشند.

در نهایت می‌توان گفت اگر فعالیت‌های اقتصادی، فعالیت‌های مفید، مولد، منطبق با احکام الهی و همراه با پرداخت حقوق واجب الهی باشند، هم مبارک می‌گردند، هم توسعه و گسترش می‌یابند، هم ظرفیت‌های شغلی جامعه را افزایش می‌دهند، هم توازن را در اقتصاد ایجاد می‌کنند و در نهایت هیچ‌گاه دچار ورشکستگی نمی‌گردند و موجبات بروز چرخه‌های تجاری و آثار آن را فراهم نمی‌کنند.

اما در مقابل موارد گفته‌شده می‌توان به مواردی اشاره کرد که برکت و سود را از کسب‌وکار می‌گیرند؛ بنابراین رفتارهای تولیدی غیر الهی مانند استفاده از منابع در تولید کالاهای غیر ضروری، عدم صداقت، عدم امانت‌داری، غش در معامله و ... برکت را از آن

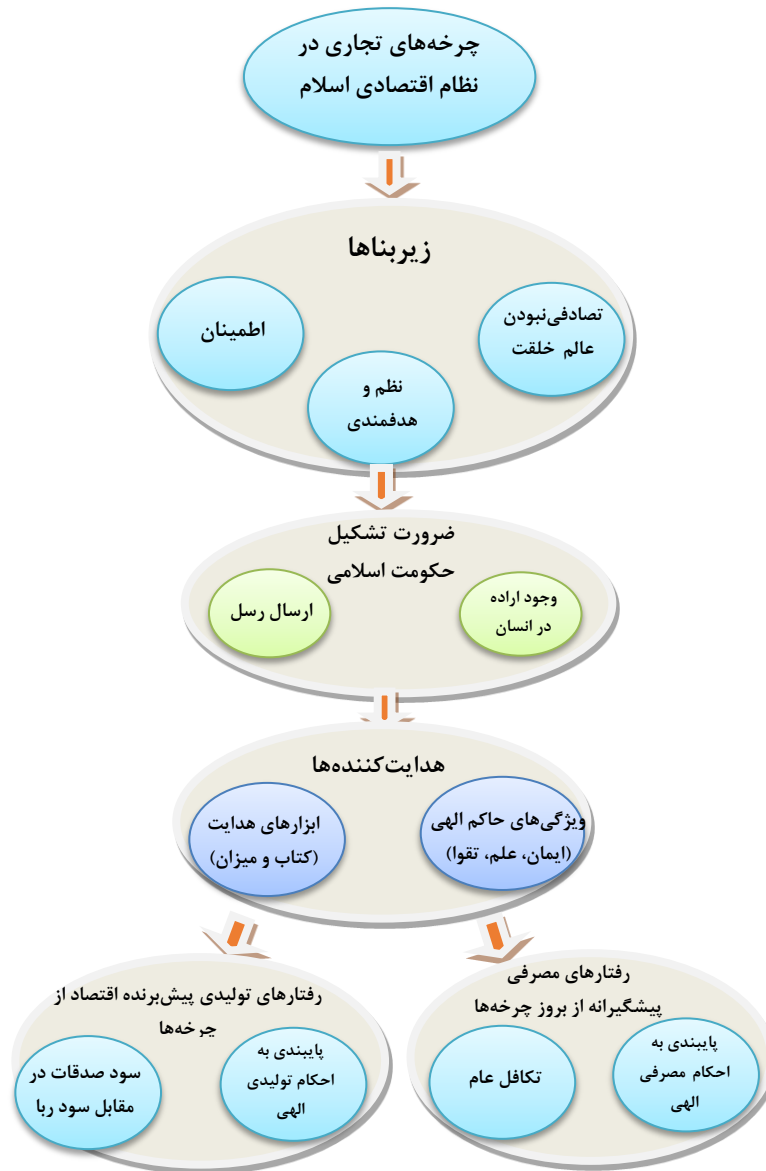
کسب و کار سلب می‌کنند. در کنار آن، مفهوم سود در مقابل زیان اهمیت دارد. گفته شد پرداخت حقوق واجب مال سبب کسب سود می‌گردد؛ اما در این قسمت بیان می‌گردد که آلوده شدن کسب و کار به ربا نه تنها منافع حاصل از آن مال را نابود می‌گرداند بلکه اصل مال را نیز از بین می‌برد. به همین دلیل اقتصادی که به نظام ربوی آلوده باشد به کساد و بحران گرفتار می‌شود. داودی و عیسوی (۱۳۸۹) نیز این مطلب را تأیید کرده و معتقدند عامل ایجاد بحران در نظام اقتصاد سرمایه‌داری، ربوی بودن آن است و چون ربا ذاتی این نظام است پس بحران‌های اقتصادی نیز در ذات این نظام هستند. آنان راه خروج از بحران و ناکارآمدی را رهاشدن اقتصاد از سیستم ربوی می‌دانند.

از این مقوله می‌توان مفهوم «رشد» را نیز استخراج کرد؛ چراکه اگر تجارتی همیشه همراه با کسب سود حلال و عادلانه و به دور از ربا بوده و به احکام تولیدی الهی پایبند باشد سبب رشد مستمر و مثبت اقتصاد و افزایش تولید ملی می‌گردد.

در نتیجه سؤال دوم تحقیق نیز پاسخ داده شد. در نظام اقتصادی اسلام با توجه به ویژگی‌های مصرف و سرمایه‌گذاری، می‌توان مسیری را تعریف کرد که آن دو با هم هماهنگ شوند و اقتصاد به رکودها و رونق‌ها دچار نگردد.

به این ترتیب پاسخ سؤال سوم پژوهش نیز مشخص شد و در نهایت می‌توان این نظریه را مطرح کرد:

«در نظام اقتصاد اسلام، با تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت حاکم الهی به دلیل همراهی مردم با حاکم الهی در اجرای قوانین و اصلاح رفتارهای مصرفی و سرمایه‌گذاری چرخه‌های تجاری ایجاد نمی‌گردد».



شکل ۱: بررسی چرخه‌های تجاری در نظام

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مرور ویژگی‌های چرخه‌های تجاری، بیان می‌کند که چرخه‌های تجاری از زمان آغاز اقتصاد سرمایه‌داری همراه همیشگی آن بوده‌اند. تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه نیز تنها به بیان علت‌ها و ویژگی‌های چرخه‌های اقتصادی پرداخته و به دنبال راهکارهایی برای تعدیل نوسانات حاصل از آن بوده‌اند.

هدف از انجام این پژوهش بررسی چرخه‌های تجاری در نظام اقتصادی اسلام مطابق با ویژگی‌های آنها در نظام اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد؛ بنابراین پس از بررسی مسئله قضا و قدر و جبر و اختیار و اثبات حکومت اسلامی بر اساس آن، مشخص شد که اصلی‌ترین شاخص حکومت اسلامی عدالت است. با توجه به اینکه ویژگی‌ها و آثار چرخه‌های تجاری با شاخص عدالت منطبق نیستند؛ پس سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه چرخه‌های تجاری برنامه‌خداوند برای رسیدن به کمال هستند رد می‌شود.

اما در بحث مصرف و سرمایه‌گذاری هر قدر که مردم مقید به رفتارهای مصرفی و تولیدی اسلامی باشند، ظرفیت وجودی بیشتری برای داشتن نعمات از جانب خداوند دارند؛ پس در زمینه مصرف با توکل، تلاش و اطعام، روزی افراد افزایش یافته و در زمینه سرمایه‌گذاری با به‌کارگیری سرمایه‌ها در جهت کسب‌وکار مطابق با قوانین الهی و کسب سودهای عادلانه - در مقابل سودهای ظالمانه - زمینه جلب برکت را فراهم کرده و مهم‌تر از آن با پرداخت صدقات واجب و مستحب زمینه جلب سودهای چندبرابری از جانب خداوند فراهم می‌گردد. در نهایت می‌توان گفت در نظام اقتصادی اسلام با برپایی حکومت اسلامی چرخه‌های تجاری شکل نمی‌گیرد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. امام علی‌بن‌ابی‌طالب؛ نهج‌البلاغه؛ گردآوری سید رضی؛ ترجمه علی شیروانی؛ چ ۹، قم: انتشارات نسیم حیات، ۱۳۸۰.
۲. استحقاری، محمدحسن؛ «جست‌وجویی در علت‌ها و چگونگی سازوکار بحران اقتصادی»، حسابدار؛ ش ۲۰۷، ۱۳۸۸.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۴. برانسون، ویلیام اچ؛ تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان؛ ترجمه عباس شاکری؛ چ ۲۰، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
۵. حیدری شیخ‌طبعی، پروین؛ «بررسی همزمانی ادوار تجاری در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران؛ س ۱۰، ش ۱۹، ۱۳۹۲.
۶. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه نور؛ چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
۷. داودی، پرویز و محمود عیسوی؛ «بحران‌های اقتصادی و راه‌حل اقتصاد اسلامی»، مجله اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی؛ س ۱، ش ۱، ۱۳۸۹.
۸. راسخی، سعید، احمد جعفری صمیمی و سمیه صادقی؛ «یکپارچگی تجاری، تخصص‌گرایی و همزمانی ادوار تجاری در اکو: شواهدی از یک شاخص همبستگی پویا»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی؛ س ۷، ش ۱، ۱۳۹۲.
۹. رومر، دیوید؛ اقتصاد کلان پیشرفته؛ ترجمه مهدی تقوی؛ ج ۲، چ ۱، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۰. سبجانی، جعفر؛ جبر و اختیار؛ چ ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.
۱۱. شاکری، عباس؛ نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان؛ ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات رافع، ۱۳۸۹.
۱۲. شکیبایی، علیرضا و مریم سعید؛ بحران‌های اقتصادی اخیر جهان (ریشه‌ها و پیامدها)؛ چ ۱، تهران: نشر نورالعلم، ۱۳۹۱.
۱۳. شیخ صدوق، محمدابن علی ابن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۴. صمدی، سعید و سیدعبدالمجید جلائی؛ «تحلیل ادوار تجاری در اقتصاد ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی؛ ش ۶۶، ۱۳۸۳.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۶. طیب‌نیا، علی و فاطمه قاسمی؛ «اندازه‌گیری چرخه‌های تجاری در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی؛ د ۴۵، ش ۹۲، ۱۳۸۹.
۱۷. طیبی، سیدکمیل و همکاران؛ «عوامل ایجاد ادوار تجاری در اقتصاد ایران طی سال‌های (۱۳۴۹-۱۳۸۷)»، سیاست‌های اقتصادی؛ د ۷، ش ۱، ۱۳۹۰.
۱۸. عیاشی، محمدبن مسعود؛ تفسیر عیاشی؛ قم: موسسه بعثت، ۱۳۷۶.
۱۹. گرجی، ابراهیم، علیرضا اقبالی و محمدرضا شریف‌زاده؛ «نظریه RBC و بحران اخیر مالی»، دوفصلنامه اقتصاد پولی مالی؛ س ۱، ش ۱، ۱۳۹۰.
۲۰. گرجی، ابراهیم و آرزو میرسپاسی؛ بررسی تئوریک سیکل‌های تجاری و علل پیدایش آن در اقتصاد ایران؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۱.
۲۱. گل‌خندان، ابوالقاسم؛ «چرخه‌های تجاری اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۹»، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی؛ ش ۱۷، ۱۳۹۴.
۲۲. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمة؛ نسخه نرم‌افزاری موبایل، تولیدکننده: محمدکاظم بادپا، انتشارات حبل‌الله، ۱۳۹۴.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ انسان و سرنوشت؛ چ ۴۹، تهران: صدرا، ۱۳۹۳.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۲۵. مهربابی، امیرحمزه و همکاران؛ «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی: ارائه یک نمونه»، مدیریت فرهنگ سازمانی؛ س ۹، ش ۲۳، ۱۳۹۰.
۲۶. نرم‌افزار قرآنی بشارت، نسخه ۲،۰، شرکت پرنیان پردازش پارس، ۱۳۹۱.
۲۷. نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی؛ چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
۲۸. هادیان، ابراهیم و محمدرضا هاشم‌پور؛ «شناسایی چرخه‌های تجاری در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران؛ ش ۱۵، ۱۳۸۲.
۲۹. هژبر کیانی، کامبیز و علیرضا مرادی؛ «تعیین نقاط چرخش در ادوار تجاری اقتصاد ایران با استفاده از الگوی خودبازگشتی سوئیچینگ مارکف»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی؛ س ۵، ش ۲، ۱۳۹۰.

30. Chauvet, M.; **Real time analysis of the U.S. business cycle**; Mimeo: Federal Reserve Bank of Atlanta, 2011.

31. Duval, R.; Li, N.; “Saraf, R. & Seneviratne, D; “Value-added trade and business cycles synchronization”, **Journal of international economics**; V.99, 2015.
32. Ganev, K.; **Statistical Estimates of the Deviation From The Macroeconomic Potetial**: An Application to the Economy of Bulgaria; Agency for Economic Analysis And Forecasting, 2004.
33. Glaser, B. & Srtauss, A.; **The Discovery of Grounded Theory**: Strategies for Qualitative Research; New York, 1967.
34. Gumus, I. & Taspinar, Z. T; “Real exchange volatility and business cycles in emerging market economies”, **Economics Letters**; No.134, 2015.
35. Miyagawa, T; Sakuragawa, Y & Takisawa, M.; “Impact of Tecnology shocks on the Japanese business cycle-an empirical analysis based on Japanese industry data”, **Jurnal of Japan and the world economy**; Vol.18, No.4, 2006.
36. Piketty, Thomas; **Capital in twenty-first century**; England: The Belknap Press of Harvard University Press, 2014.
37. Yilmazkuday, Hakan; “Gasoline prices, transport costs, and the U.S. business cycles”, **Journal of Economic Dynamics & control**; No.45, 2014.